

نام سوره



سیمای سوره‌ی روم

این سوره شصت آیه دارد و در مکه نازل شده است. همانند بسیاری از سوره‌های مکی، موضوع اصلی این سوره، مبدأ و معاد و گفتگوهای اهل ایمان و کفر در این زمینه است. این سوره با پیشگویی پیروزی رومیان بر ایرانیان در جنگ آغاز می‌شود و به همین مناسبت، سوره «روم» نام گرفته است. بخش عمده آیات این سوره، به ذکر نعمت‌های الهی در آسمان و زمین و نظام زوجیت در گیاهان و حیوانات، آفرینش انسان از خاک و پیوند زن و مرد، تلاش در روز و خواب در شب، بارش باران و وزش باد و حیات زمین پس از مرگ می‌پردازد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده‌ی مهربان

﴿ ۱ ﴾ اَلَمْ ﴿ ۲ ﴾ غَلِبَتِ الرُّومُ

الف، لام، میم. رومیان مغلوب (ایرانیان) شدند.

﴿ ۳ ﴾ فِي آذَانِي الْأَرْضِ وَهُمْ مِّن بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

(این شکست) در نزدیک‌ترین سرزمین (رخ داد) ولی آنان بعد از مغلوب

شدن، در آینده‌ی نزدیکی پیروز خواهند شد.

﴿ ۴ ﴾ فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِن بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ

الْمُؤْمِنُونَ

(این پیروزی) در چند سال (آینده خواهد بود)، قبل از پیروزی و شکست و

بعد از آن، کار تنها به دست خداست و در آن روز (پیروزی)، مؤمنان

خوشحال خواهند شد.

﴿ ۵ ﴾ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

خداوند هر کس را بخواهد، به یاری خود یاری می‌کند، و او قدرتمند و نفوذ

ناپذیر مهربان است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «بِضَع» به معنای قطعه است، چنانکه پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مَنِّي»^(۱) فاطمه پاره‌ی تن من است. گاهی مراد از «بِضَع»، قطعه‌ای از زمان (بین سه تا نه سال) است.

□ سؤال: پیروزی سپاه روم بر ایرانیان، چه ربطی به مسلمانان دارد که قرآن می‌فرماید: ﴿يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ﴾

پاسخ: پیامبر اسلام ﷺ نامه‌ای به پادشاهان ایران و روم نوشت و آن دو را به دین مبین اسلام دعوت کرد. خسرو پرویز، شاه ایران نامه رسول خدا ﷺ را پاره کرد، ولی قیصر روم به نامه پیامبر احترام گزارد. مسلمانان دوست داشتند رومیان - که به نامه پیامبر احترام کردند - پیروز شوند، ولی آنان شکست خوردند و مسلمانان از این حادثه ناراحت شدند. خداوند با نزول این آیات به مسلمانان بشارت داد که اگر چه رومیان شکست خوردند، ولی در آینده نزدیک پیروز خواهند شد و آن پیروزی، سبب شادی مؤمنان خواهد شد.^(۲)

آری، جامعه‌ی ایمانی نباید تنها به درون خود بنگرد، بلکه باید نسبت به حوادث تلخ و شیرین سایر ملل نیز عکس العمل نشان دهد.

پیام‌ها:

- ۱- یکی از نشانه‌های اعجاز قرآن، پیشگویی‌های صادقانه و محقق آن است. (رومیان، از ایرانیان شکست خوردند، ولی قرآن پیشگویی می‌کند که چند سال دیگر رومیان غالب خواهند شد و چنان شد.) ﴿غُلِبَتْ - سِغْلِبُونَ﴾
- ۲- با یک شکست، مایوس نشوید. ﴿غُلِبَتْ - سِغْلِبُونَ﴾
- ۳- در پیروزی‌ها و شکست‌ها، محوریت توحید فراموش نشود. ﴿لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلِ وَ مِنْ بَعْدِ﴾

۴- هم پیروزی را از او بدانیم و هم ساز و برگ نظامی را. ﴿بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ﴾

۱. وسائل، ج ۲۰، ص ۶۷. ۲. تفسیر نورالثقلین.

۵- دلیل نصرت الهی، عزّت و رحمت اوست. ﴿ینصر... و هو العزیز الرحیم﴾

﴿۶﴾ وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

(این پیروزی) وعده‌ی الهی است. خداوند از وعده‌اش تخلف نمی‌کند؛ ولی

بیشتر مردم نمی‌دانند.

پیام‌ها:

- ۱- از تحقق وعده‌های الهی برای دعوت مردم به ایمان، استفاده کنید. ﴿وعد الله لا يخلف الله وعده﴾
- ۲- سرچشمه تخلف از وعده‌ها، یا عجز است یا جهل و یا پشیمانی، که خداوند از آنها منزّه است. ﴿لا يخلف الله وعده﴾
- ۳- خلف وعده زشت است، ولی خلف وعید، نوعی رحمت است. ﴿لا يخلف الله وعده﴾
- ۴- اکثر مردم در وفا کردن خداوند به وعده‌هایش تردید دارند. ﴿لا يخلف الله وعده و لكن اكثر الناس لا يعلمون﴾
- ۵- اکثریت ملاک نیست؛ دانش، ایمان و تعهد مهم است. ﴿اکثر الناس لا يعلمون﴾

﴿۷﴾ يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

(مردم) فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌شناسند، و آنان از آخرت غافلند.

پیام‌ها:

- ۱- کوتاه‌بینی، سطحی‌نگری و توجه نکردن به ماورای مادیات، نوعی جهل است. ﴿لكن اكثر الناس لا يعلمون يعلمون ظاهراً...﴾
- ۲- انسان باید ژرف‌نگر و عمیق باشد، نه ظاهر بین و غافل. ﴿يعلمون ظاهراً... و هم عن الآخرة هم غافلون﴾
- ۳- دنیا بد نیست، غفلت از آخرت بد است. ﴿عن الآخرة هم غافلون﴾

۴- علم به ظواهرِ دنیای مادی بدون توجه به آخرت، مورد انتقاد است. ﴿يعلمون ظاهراً... عن الآخرة هم غافلون﴾

۵- دنیا ظاهر و باطنی دارد و آخرت، باطن دنیاست. ﴿ظاهراً - عن الآخرة﴾

۶- توجه به ظواهر دنیا، سبب غفلت از آخرت است. ﴿يعلمون ظاهراً... هم عن الآخرة هم غافلون﴾

﴿۸﴾ **أُولَٰمٍ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِي رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ**

آیا آنان در وجود خودشان فکر نکردند؟ خداوند آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز بر اساس حق و زمان‌بندی معین نیافریده است، و بی‌شک بسیاری از مردم به لقای پروردگارشان (در قیامت) کفر می‌ورزند.

پیام‌ها:

- ۱- تفکر، داروی بیماری غفلت است. ﴿هم غافلون او لم يتفكروا﴾
- ۲- تفکر، زمانی مفید و سازنده است که دور از هیاهو و تأثیرات منفی و بر اساس عقل و فطرت باشد. ﴿فی انفسهم﴾
- ۳- آفرینش، هم هدفدار است و هم زمان‌بندی دارد. ﴿خلق... بالحق و اجلٍ مُّسَمًّى﴾
- ۴- دنیا، مدت زمانی بیش نیست. ﴿اجلٍ مُّسَمًّى﴾
- ۵- نتیجه‌ی فکر سالم، ایمان به حقایق و هدفداری هستی و آخرت است و نتیجه‌ی بی‌فکری، کفر و انکار معاد است. ﴿یتفکروا - لکافرون﴾

﴿ ۹ ﴾ أَوْلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آنان بودند چگونه بود؟ آنها نیرومندتر از اینان بودند و زمین را زیور و کردند و بیش از آنچه اینان آباد کردند، آن را آباد ساختند، و پیامبرانشان همراه با (معجزه و) دلایل روشن به سراغشان آمدند، (اما آنها انکار کردند و به قهر خدا گرفتار شدند) پس خداوند به آنان ستم نکرد، بلکه آنها بر خود ستم کردند.

نکته‌ها:

- امام صادق علیه السلام درباره‌ی معنای «اولم یسیروا فی الارض» فرمودند: «مراد تدبّر و سیر در تاریخ اقوام گذشته در قرآن است». ^(۱)
- درباره‌ی لزوم آشنایی با تاریخ و تدبّر در آن، حضرت علی علیه السلام خطاب به فرزندش می‌فرماید: گرچه عمر زیادی ندارم، ولی با تاریخ گذشتگان چنان آشنا هستم که گویی عمر تاریخ را دارم. ^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- مطالعه‌ی تاریخ، سیر و سفر و استفاده از تجربه‌ی دیگران، از راه‌های شناخت، و ترک آن مورد توییح است. «اولم یسیروا»
- ۲- آگاهی از تاریخ و فلسفه‌ی آن و آشنایی با سرنوشت اقوام پیشین، انسان را از ظاهربینی نجات می‌دهد. «یعلمون ظاهرا - اولم یسیروا»
- ۳- تحولات تاریخی بر اساس قوانین ثابت است که می‌توان از گذشته، برای

۱. تفسیر نورالثقلین.

۲. نهج البلاغه، نامه‌ی ۳۱.

امروز و فردا درس گرفت. ﴿فَیَنْظُرُوا﴾

۴- سیر و سفر باید عامل توجّه و به دور از غفلت باشد. ﴿فَیَنْظُرُوا﴾

۵- به سرنوشت و عاقبت اقوام گذشته بنگرید، نه به جلوه‌های روزمره‌ی آنان.

﴿کیف کان عاقبة ...﴾

۶- قبل از اسلام، تمدّن و قدرت‌های بزرگی پدیدار شده و نابود شده‌اند. ﴿من قبلهم﴾

۷- اگر خدا غضب کند، هیچ قومی با هیچ قدرتی تاب مقاومت ندارد. ﴿کانوا اشدّ

منهم قوّة﴾

۸- توجّه به هلاکت و نابودی قدرت‌های بزرگ، عامل بازدارنده‌ی غرور است.

﴿کانوا اشدّ منهم قوّة﴾

۹- سعادت و خوشبختی تنها در قدرت و آبادانی نیست، بلکه در ایمان و پیروی

از انبیاست. ﴿اشدّ منهم قوّة... و عمروها اکثر ممّا عمروها... کانوا انفسهم یظلمون﴾

۱۰- فریفتگی به قدرت و ثروت، از موانع ایمان به انبیا است. ﴿عمروها اکثر ممّا

عمروها و جائتہم رسلہم بالبیّات...﴾

۱۱- در تبلیغ و تربیت، از شیوه‌ها و استدلال‌های روشن استفاده کنیم. ﴿جائتہم

رسلہم بالبیّات...﴾

۱۲- خداوند، عادل و مهربان است؛ عامل اصلی هلاکت اقوام پیشین، خود آنان

هستند. ﴿فما کان اللّٰه لیظلمہم و لکن کانوا انفسہم یظلمون﴾

۱۳- سرپیچی از دستورهای انبیا، ظلم به نفس و در پی دارنده‌ی عذاب است.

﴿انفسہم یظلمون﴾

﴿۱۰﴾ تُمْ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السُّوْاىَ اَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ

كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ

سپس عاقبت کسانی که کارهای بد مرتکب شدند، این شد که آیات خدا را

تکذیب کردند و همواره آن را به مسخره می‌گرفتند.

پیام‌ها:

- ۱- تکذیب کنندگان و مسخره‌کنندگان، هیچ بهره‌ای از کارشان جز عذاب سوء ندارند. ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسَاءُوا السُّوْأَىٰ - كَذَّبُوا - يَسْتَهْزِئُونَ﴾
- ۲- سقوط انسان، مراحلی دارد: ابتدا گناه، ﴿اسَاءُوا السُّوْأَىٰ﴾ سپس تکذیب، ﴿كَذَّبُوا﴾ و آنگاه استهزا. ﴿يَسْتَهْزِئُونَ﴾

﴿۱۱﴾ اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خداوند آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را تجدید می‌کند، آنگاه به سوی او باز گردانده می‌شوند.

﴿۱۲﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ

و روزی که قیامت بر پا می‌شود، تبهکاران نومید و غمگین می‌شوند.

﴿۱۳﴾ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاءٌ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

و برای آنان از شریکانی (که برای خدا قرار داده‌اند) شفیعیانی نخواهد بود، و آنان (در آن روز) به شریکان خود کافر می‌شوند.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «يُبْلِسُ» از «ابلاس»، به معنای غم و اندوهی است که ناشی از شدت یأس باشد. واژه‌ی «ابلیس» نیز از همین ریشه است.

پیام‌ها:

- ۱- در بحث و استدلال، از امور محسوس، برای مسائل معقول شاهد بیاوریم. ﴿يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ﴾ آفرینش نخستین، دلیل قدرت بر آفرینش دیگری است.
- ۲- بازگشت به سوی خدا و حضور در قیامت، اجباری است. ﴿إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾
- ۳- به سرمستی امروز تبهکاران ننگرید که روز غم‌انگیزی در پیش دارند. ﴿يَوْمٌ...﴾

يُجْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ﴿﴾

۴- به شفاعت‌های خیالی، دل نبندیم. ﴿لَمْ يَكُنْ ... شُفَعَاءُوا﴾
 ۵- در قیامت، عشق‌های کاذب به کدورت، کفر و تنفر تبدیل می‌شود. ﴿كَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ﴾

﴿ ۱۴ ﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِنُونَ يَتَفَرَّقُونَ

و روزی که قیامت بر پا می‌شود، در آن روز (مردم) از هم جدا می‌شوند.

﴿ ۱۵ ﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

پس کسانی که ایمان آورده و کارهای نیکو انجام دادند، پس آنان در باغی (از بهشت) شادمان خواهند بود.

نکته‌ها:

□ «رَوْضَةٌ»، به باغی گفته می‌شود که آب و درخت فراوان دارد.
 □ کلمه «يُحْبَرُونَ» از «حَبْر»، به معنای حالت سروری است که آثار آن در چهره نمایان شود.

پیام‌ها:

- ۱- در قیامت، پاکان از ناپاکان جدا می‌شوند. ﴿يَتَفَرَّقُونَ﴾ (قیامت از یک سو ﴿يَوْمَ الْجُمُعِ﴾^(۱) روز گردهمایی است و از سوی دیگر ﴿يَوْمَ النُّصُلِ﴾^(۲)، روز جدایی.)
- ۲- قیامت روز پایان پیوندها و دوستی‌های غیر الهی است. ﴿يَتَفَرَّقُونَ﴾
- ۳- ایمان همراه با عمل و کارهای خوب ارزشمند است. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۴- ایمان و انگیزه، مهم‌تر از عمل است. ﴿آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۵- شرط رستگاری و ورود به بهشت، ایمان و عمل صالح است. ﴿فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ﴾

۱. شوری، ۷.

۲. صافات، ۲۱.

﴿ ۱۶ ﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَضَّرُونَ

و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند، پس احضارشدگان در عذابند.

﴿ ۱۷ ﴾ فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

پس خدا را تنزیه کنید به هنگامی که وارد شب می‌شوید و هنگامی که به صبح درمی‌آیید.

﴿ ۱۸ ﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

و حمد و ستایش در آسمان‌ها و زمین و هنگام شب و هنگامی که ظهر می‌کنید، مخصوص اوست.

نکته‌ها:

- بعضی معتقدند این آیات به اوقات نمازهای پنجگانه در صبح و ظهر و شام اشاره دارد.
- ممکن است جمله‌ی «فسبحان الله» و جمله‌ی «له الحمد»، فرمان به تسبیح و حمد باشد که در قالب خبر آمده است.

پیام‌ها:

- ۱- با بیان سرنوشت خوبان و بدان، دیگران را به خوبی‌ها تشویق و از بدی‌ها پرهیز دهیم. «فاما الذين آمنوا... و اما الذين كفروا...»
- ۲- تکذیب آیات و قیامت، از کفر و عناد انسان سرچشمه می‌گیرد. «الذين كفروا و كذبوا بآياتنا و لقاء الآخرة»
- ۳- سرنوشت انسان، در گرو عملکرد خود اوست. «كفروا و كذبوا... فاولئك في العذاب»
- ۴- در اوقات پنجگانه‌ی نماز، ذات مقدس الهی نیز سبحان الله گفته است.

﴿سبحان الله...﴾

- ۵- بعضی زمان‌ها، برای ذکر خداوند مناسب‌تر است. ﴿حين تمسون و حين تصبحون﴾
 ۶- تنزیه خداوند و پاک دانستن او از عیب‌ها، بر ستایش او تقدّم دارد. ﴿سبحان الله
 - له الحمد﴾

۷- تسبیح و حمد، در همه‌ی مکان‌ها (آسمان‌ها و زمین) و همه‌ی زمان‌ها یک
 ارزش است. ﴿تمسون - تصبحون - السموات والارض﴾

﴿۱۹﴾ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ
 بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ

زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را (نیز) از زنده بیرون می‌کشد، و
 زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند، و شما نیز (روز قیامت) این گونه
 بیرون آورده می‌شوید.

نکته‌ها:

□ برای خارج شدن مرده از زنده و زنده از مرده، مصادیق و نمونه‌های زیادی در تفاسیر بیان
 شده است، از جمله: ایجاد انسان از نطفه و ایجاد نطفه از انسان. فرزند مؤمن از والدین کافر
 و بالعکس، که همه‌ی اینها نشانه‌ی قدرت مطلقه‌ی خداوند در جهان و توانایی او در برپایی
 قیامت و حشر موجودات است.

پیام‌ها:

۱- در معاد شک نکنید، زیرا کار خداوند میراندن و برانگیختن است. (با ارائه‌ی
 نمونه‌ها، ابهامات و تردیدها را از بین ببرید.) ﴿يحيى الارض... كذلك تُخْرَجُونَ﴾

﴿۲۰﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ

و از نشانه‌های الهی آن است که شما را از خاکی (پست) آفرید، پس (به
 صورت) بشری به هر سوی پراکنده شدید.

نکته‌ها:

- در قرآن، یازده مورد تعبیر «و من آیاته» به کار رفته که هفت موردش در این سوره است.
- در آیه‌ی قبل، خروج مرده از زنده و بالعکس به طور کلی و سربسته مطرح شد و این آیه نمونه‌ی آن مطلب کلی است.

پیام‌ها:

- ۱- بهترین راه خدانشناسی، تفکر در آفرینش است. «و من آیاته ...»
- ۲- نشانه‌های الهی قابل شمارش نیست، آنچه گفته می‌شود اندکی از بسیار است. «من آیاته»
- ۳- در میان آفریده‌ها، انسان بارزترین آنهاست. (آیاتی که درباره‌ی نشانه‌های قدرت الهی است، از انسان شروع می‌شود.) «من آیاته ان خلقکم من تراب»
- ۴- خودشناسی، مقدمه‌ی خدانشناسی است. «من آیاته ان خلقکم من تراب»
- ۵- منشأ وجودی همه‌ی انسان‌ها خاک است. (تفاخرهای بی‌ارزش را کنار بگذاریم.) «من تراب»
- ۶- در خاک، حس و حرکت نیست، ولی در انسان هست و این، نشانه‌ی قدرت و عظمت پروردگار است. «خلقکم من تراب... تنتشرون»

﴿ ۲۱ ﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ

جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه‌ی شدید و رحمت قرار داد؛ بی شک در این (نعمت الهی)، برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است.

نکته‌ها:

□ یاد خداوند مایه‌ی آرامش دل و روح است، ﴿بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾^(۱) و همسر مایه‌ی آرامش جسم و روان. ﴿أَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾^(۲)

پیام‌ها:

- ۱- آفرینش، هدفدار است. ﴿خَلَقَ لَكُمْ﴾
- ۲- زن و مرد از یک جنس هستند. (بر خلاف پاره‌ای عقاید خرافی و تحقیرآمیز که زن را موجودی پست‌تر یا از جنس دیگر می‌پندارند). ﴿مَنْ أَنْفَسِكُمْ﴾
- ۳- همسر باید عامل آرامش باشد نه مایه‌ی تشنج و اضطراب. ﴿لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾
- ۴- هدف از ازدواج، تنها ارضای غریزه‌ی جنسی نیست، بلکه رسیدن به یک آرامش جسمی و روانی است. ﴿لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾
- ۵- نقش همسر، آرام‌بخشی است. ﴿لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا﴾
- ۶- محبت، هدیه‌ای الهی است که با مال و مقام و زیبایی به دست نمی‌آید. ﴿جَعَلَ﴾ (مودت و رحمت، هدیه‌ی خدا به عروس و داماد است.)
- ۷- هر کس با هر عملی که آرامش و مودت و رحمت خانواده را خدشه‌دار کند، از مدار الهی خارج و در خط شیطان است. ﴿جَعَلَ بَيْنَكُمْ ...﴾
- ۸- رابطه‌ی زن و مرد، باید بر اساس مودت و رحمت باشد. ﴿مُودَّةً وَرَحْمَةً﴾ (مودت و رحمت، عامل بقا و تداوم آرامش در زندگی مشترک است.)
- ۹- مودت و رحمت، هر دو با هم کارساز است. (مودت بدون رحمت و خدمت، به سردی کشیده می‌شود و رحمت بدون مودت نیز دوام ندارد.) ﴿مُودَّةً وَرَحْمَةً﴾
- ۱۰- تنها اهل فکر می‌توانند به نقش سازنده‌ی ازدواج پی ببرند. ﴿لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

۱. رعد، ۲۸.

۲. روم، ۲۱.

﴿ ۲۲ ﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ السِّنْتِكُمْ وَ
 أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ

و از نشانه‌های الهی، آفرینش آسمان‌ها و زمین، و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های
 شماست؛ همانا در این امر برای دانشمندان نشانه‌هایی قطعی است.

پیام‌ها:

- ۱- آفرینش آسمان‌ها و زمین، از نشانه‌های قدرت بی‌پایان الهی است. ﴿و من آیاته
 خلق السموات و الارض﴾
- ۲- تفاوت نژادها و زبان‌ها، راهی برای خداشناسی است. ﴿و من آیاته... اختلاف
 السننکم و ألوانکم﴾
- ۳- هر زبانی برای خود ارزش و اصالت دارد و تغییر آن نه کمال است و نه لازم.
 (هیچ کس حق ندارد نژادها و زبان‌های دیگر را تحقیر نماید.) ﴿و من آیاته...
 اختلاف السننکم و ألوانکم﴾
- ۴- یکسان بودن شکل و رنگ همه‌ی انسان‌ها با ابتکار و نوآوری و بدیع بودن
 خداوند سازگار نیست. ﴿و من آیاته اختلاف السننکم...﴾
- ۵- انسان عالم و فهمیده، از اختلاف رنگ‌ها و زبان‌ها به معرفت الهی می‌رسد
 ولی جاهل، رنگ و زبان را وسیله‌ی تحقیر و تفاخر قرار می‌دهد. ﴿للعالمین﴾

﴿ ۲۳ ﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِّن فَضْلِهِ إِنَّ فِي
 ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

و از نشانه‌های الهی، خوابیدن شما در شب و روز، و تلاش شما در کسب
 فضل پروردگار است؛ همانا در این امر برای گروهی که (حقایق را)
 می‌شنوند نشانه‌هایی قطعی است.

پیام‌ها:

- ۱- نعمت‌های الهی را ساده ننگیریم؛ خواب نیز یک نعمت بزرگ است. ﴿و من آیاته منامکم﴾
- ۲- خواب، مقدمه‌ی تلاش است. ﴿منامکم... وابتغواکم﴾
- ۳- کار و تلاش برای کسب معاش، امری پسندیده و نشانه‌ای الهی است. ﴿و من آیاته... ابتغواکم﴾
- ۴- اصل خواب برای شب است و خواب در روز، برای استراحت جزیی است. ﴿منامکم باللیل والنهار﴾
- ۵- فضل الهی گسترده است ولی تلاش ما برای کسب آن لازم است. ﴿ابتغواکم﴾
- ۶- نعمت‌هایی که دریافت می‌کنیم، به خاطر استحقاق نیست، بلکه لطف و فضل الهی است. ﴿من فضله﴾

﴿۲۴﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و از نشانه‌های الهی آن است که برق (آسمان) را که مایه‌ی بیم و امید است به شما نشان می‌دهد و از آسمان، آبی می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند، همانا در این امر برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌هایی قطعی است.

نکته‌ها:

- در این آیه و آیات قبل، چهار تعبیر به چشم می‌خورد: ﴿یتفکرون﴾، ﴿للعالمین﴾، ﴿یسمعون﴾ و ﴿یعقلون﴾.

برای عملی شدن این چهار تعبیر، چهار مرحله‌ی طبیعی بیان شده است:

۱. انسان در آغاز، فکر می‌کند. «یتفکرون»

۲. سپس می‌فهمد و عالم می‌شود. «للعالمین»

۳. کسی که آگاه شد، حرف‌ها را با دقت گوش می‌دهد و نکته سنجی می‌کند. «بسمعون»

۴. در اثر شنیدن عمیق، به تعقل و اندیشیدن می‌رسد. «يعقلون»

پیام‌ها:

- ۱- بیم و امید، در کنار هم سازنده است. ﴿خَوْفًا وَ طَمَعًا﴾
- ۲- برق آسمان، بارش و سبز شدن زمین تصادفی نیست، بلکه بر اساس یک برنامه‌ی دقیق و حساب شده است. ﴿البرق... ينزل... فيحيى﴾
- ۳- نظام آفرینش، بر اساس اسباب و علل پایه ریزی شده است. ﴿فيحيى به﴾
- ۴- پائیز و بهار، ریزش و رویش گیاهان، از نشانه‌های قدرت خداوند در آفرینش است. ﴿فيحيى به الارض بعد موتها﴾
- ۵- خداشناسی باید بر اساس علم و فکر و تعقل باشد. ﴿لايات لقوم يعقلون﴾

﴿ ۲۵ ﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً

مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

و از نشانه‌های الهی آن است که آسمان و زمین به فرمان او بر پاست؛ پس هرگاه شما را از زمین فرا خواند، ناگهان (از قبر) بیرون می‌آیید (و در صحنه‌ی قیامت حاضر شوید).

نکته‌ها:

- در این آیات، هم آفرینش انسان از خاک، نشانه‌ی قدرت الهی شمرده شد، ﴿خلقکم من تراب﴾ هم مرگ و خروج انسان از قبر. ﴿من الارض اذا انتم تخرجون﴾
- خداوند در این آیه و پنج آیه‌ی قبل، پانزده مرتبه مردم را مخاطب قرار داده و نعمت‌های خود را برشمرده که این، یکی از شیوه‌های تبلیغ است.

پیام‌ها:

- ۱- استواری نظام آفرینش، نه تصادفی است و نه به دست دیگران، به اراده الهی است. ﴿تقوم... بامرہ﴾
- ۲- پیدایش معاد، با اراده و دعوت خداوند انجام می‌گیرد. ﴿دعاکم دعوة﴾
- ۳- دعوت پیامبر خدا، مرده را زنده می‌کند، ﴿ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَا تُبَيِّنُكَ سَعِيَا﴾^(۱) تا چه رسد به دعوت الهی. ﴿دعاکم دعوة من الارض اذا انتم تخرجون﴾
- ۴- ایمان به مبدأ، مقدمه‌ی ایمان به معاد است. کسی که نظام هستی را بر پا کرد، شما را نیز پس از مرگ زنده می‌کند. ﴿تقوم السماء... اذا انتم تخرجون﴾
- ۵- معاد، جسمانی است. ﴿من الارض... تخرجون﴾
- ۶- پیدایش معاد، دفعی است نه تدریجی. ﴿اذا انتم تخرجون﴾

﴿۲۶﴾ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهُ قَانِتُونَ

و هر که در آسمان‌ها و زمین است از آن اوست، همه برای او فرمانبردارند.

﴿۲۷﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و او کسی است که آفرینش را آغاز می‌کند، سپس آن را (باز می‌گرداند و) تجدید می‌کند و این کار برای او (از آفرینش نخستین) آسان‌تر است، و قدرت برتر در آسمان‌ها و زمین مخصوص اوست؛ و او غلبه‌ناپذیر و دانا به حقایق امور است.

نکته‌ها:

- مراد از ﴿من فی السموات﴾ یا فرشتگانی هستند که مطیع فرمان خدایند و یا موجودات صاحب شعور دیگری که هنوز برای بشر شناخته نیست.

پیام‌ها:

- ۱- در جهان بینی الهی، همه‌ی هستی آگاهانه و خاضعانه، تسلیم و سرسپرده‌ی خدای متعال هستند. ﴿كُلٌّ لَهُ قَانُتُونَ﴾
- ۲- خداوند در همه چیز یکتاست:
در مالکیت: ﴿لَهُ مِنْ فِي السَّمَوَاتِ﴾
در عبادت: ﴿كُلٌّ لَهُ قَانُتُونَ﴾
در خالقیت: ﴿هُوَ الَّذِي بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ﴾
در کمالات: ﴿وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾
- ۳- توجه به آفرینش ابتدایی، کلید آشنایی با معاد است. ﴿يَبْدَأُ - ثُمَّ يُعِيدُهُ﴾
- ۴- مطابق فهم مردم سخن بگویند. (با این که برای خداوند هیچ کاری سخت‌تر و یا آسان‌تر از کار دیگر نیست ولی باز هم کلمه‌ی ﴿أَهُونَ﴾ به کار رفته است.)
- ۵- صفات خداوند از تصور و قلم و بیان انسان، برتر است. ﴿وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾
- ۶- هیچ کس و هیچ چیز را با خداوند مقایسه نکنید. ﴿وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى﴾
- ۷- مقتضای حکمت و قدرت الهی، پیدایش معاد است. ﴿ثُمَّ يُعِيدُهُ... هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

﴿ ۲۸ ﴾ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

خداوند برای شما، مثالی از خودتان زده است (و آن این که) آیا در آنچه ما روزی شما کردیم، از بردگانتان شریکانی را می‌پذیرید، تا آنان در رزق، مساوی (و شریک) شما باشند؟ و آیا همان‌طور که از یکدیگر می‌ترسید از بردگانتان می‌ترسید؟! (شما که در یک لقمه‌ی نان، حاضر نیستید با زیردستان خود شریک باشید، چگونه بت‌های بی روح را شریک خدا می‌دانید؟! ما آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، این‌گونه شرح می‌دهیم.

پیام‌ها:

- ۱- استفاده از مثال، از روش‌های تبلیغ و تربیت است. ﴿ضرب لکم مثلاً﴾
- ۲- آنچه برای خود نمی‌پسندیم، برای دیگران هم نپسندیم. ﴿هل لکم... من شرکاء﴾
- ۳- وجدان خود را قاضی کنید و بیان‌دهشید؛ شما که انسان‌های مشابه اما زبردست خود را شریک خود نمی‌دانید، چگونه غیر مشابه خدا را شریک او می‌دانید؟! شما که برای یک لحظه شریک را تحمل نمی‌کنید، چگونه برای خداوند شریک دائمی می‌پذیرید؟! شما که شریک در بهره‌گیری از رزق را قبول نمی‌کنید، چگونه شریک در آفرینش را برای او می‌پذیرید؟! شما که از دخالت افراد مشابه خود بیمناکید، چگونه سنگ و چوب را در کار خدا دخالت می‌دهید؟! شما که مالک حقیقی نیستید، حاضر به شریک شدن نیستید، چگونه سنگ و چوب را شریک آفریدگار و مالک حقیقی قرار می‌دهید؟
- ۴- شریک داشتن، سبب دلهره است. ﴿شرکاء... تخافونهم﴾

﴿۲۹﴾ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ

اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

آری، کسانی که ظلم کردند، بدون آگاهی، از هوس‌های خود پیروی نمودند. پس کسی را که خدا گمراهش کرد، چه کسی می‌تواند هدایت کند؟ برای آنان هیچ‌گونه یاور نیست.

پیام‌ها:

- ۱- مشرکان تعقل نمی‌کنند و به خود ظلم می‌کنند. ﴿لقوم یعقلون بل اتبع الذین ظلموا﴾
- ۲- مشرک، برای شرک خود برهان علمی ندارد و سرچشمه‌ی انحرافش

- هوس های درونی است. ﴿اتَّبِعْ ... أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾
 ۳- شرک، ظلم به خود است. ﴿اتَّبِعِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾
 ۴- تمایلات انسان، متنوع است. ﴿أَهْوَاءَهُمْ﴾
 ۵- خداوند کسانی را گمراه می کند که به جای پیروی از علم و عقل، پیرو هوس های خود باشند. ﴿اتَّبِعْ ... أَهْوَاءَهُمْ ... أَضَلَّ اللَّهُ﴾
 ۶- مشخصات مشرک چند چیز است:
 ستمگری: ﴿ظَلَمُوا﴾
 بی منطقی: ﴿بِغَيْرِ عِلْمٍ﴾
 گمراهی: ﴿أَضَلَّ اللَّهُ﴾
 بی یابوری: ﴿مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾
 ۷- ستمگران هواپرست، روزی غریب و تنها خواهند ماند. ﴿اتَّبِعْ ... أَهْوَاءَهُمْ ... مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ﴾

﴿۳۰﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

پس با گرایش به حق به این دین روی بیاور، (این) فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

نکته ها:

- در آیات قبل خواندیم که همه ی هستی در برابر خدا فروتن است، «کلُّ له قانتون» و آغاز و انجام هستی و مثلِ اعلی و عزّت و حکمت از اوست، و شرک چیزی جز خیال و ظلم نیست، این آیه می فرماید: پس روی خود را خالصانه متوجه دین کن.
- فطرت در لغت به معنای خلقت و شکافتن پرده ی عدم و آفرینش یک موجود است. گویا

خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که به حق تمایل دارد و از باطل بیزار است. درست همانند علاقه‌ی مادر به فرزند که امری تعلیمی نیست، بلکه فطری و غریزی است. □ در روایات، جمله‌ی «فَاقم وجهك للدين»، به اقامه‌ی نماز و توجه به قبله و اسلام، اخلاص و توحید معنا شده است.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- رهبر دینی جامعه، باید ابتدا حق گرایبی کامل خود را تثبیت کند، بعد به ارشاد دیگران بپردازد. «فَاقم وجهك للدين»
- ۲- انسان ذاتاً دین‌گرا و طرفدار حق است. «للدین حنیفاً فطرت الله التي فطر الناس علیها»
- ۳- بر خلاف تصوّر گروهی که می‌گویند: انسان مثل ظرفی خالی است که با آداب و رسوم و افکار حق یا باطل پر می‌شود و نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی به او رنگ می‌دهند، خداوند شناخت حق و حق‌گرایی را به ودیعت نهاده است. «فطرت الله ...»
- ۴- معنای فطری بودن دین، بی‌نیازی از تلاش در راه اقامه‌ی آن نیست. «اقم... فطرت الله»
- ۵- انحراف، یک عارضه است؛ زیرا گرایش به دین حق، در نهاد هر انسانی نهفته است. «فطر الناس علیها»
- ۶- دین فطری، ثابت و پایدار است. «فطر الناس علیها... ذلك الدین القیم»
- ۷- تکوین و تشریح با یکدیگر هماهنگ است. «فطر الناس علیها... ذلك الدین القیم»
- ۸- حرکت در مسیر دین، حرکت در مسیر فطرت است. «فَاقم... فطرت الله»
- ۹- امور فطری انسان کم و زیاد می‌شود؛ اما به کلی محو نمی‌شود. «لا تبدل خلق الله»

۱. تفسیر راهنما.

- ۱۰- گرایش‌های حق طلبانه‌ای که در درون انسان نهفته شده، با تغییر مکان و زمان عوض نمی‌شود. ﴿لَا تَبْدِيلَ لَخَلْقِ اللَّهِ﴾
- ۱۱- هر گونه گرایش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نژادی و اقلیمی که در درون انسان سرچشمه‌ای نداشته باشد، پایدار نیست. ﴿ذَلِكَ الدِّينَ الْقَيِّمُ﴾
- ۱۲- اسلام، تنها دین پایدار است. ﴿ذَلِكَ الدِّينَ الْقَيِّمُ﴾

﴿۳۱﴾ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

(شما نیز بر اساس همان فطرت)، به سوی او روی آورید و از او پروا کنید و نماز را بر پا کنید و از مشرکان نباشید.

﴿۳۲﴾ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

از کسانی که دین خود را جدا و پراکنده کردند و به دسته‌ها و فرقه‌ها تقسیم شدند؛ و هر گروهی به آنچه نزد آنهاست شادمانند.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «منیبین» از «انابه»، به معنای رجوع مکرر و مداوم است.
- در آیه‌ی قبل، به شخص پیامبر فرمود: «فأقم وجهك»، در این آیه به همه‌ی مردم دستور انابه و بازگشت به سوی خدا می‌دهد. ﴿منیبین الیه﴾

پیام‌ها:

- ۱- گرایش فطری و درونی به دین را با مناجات و انابه و تقوا و نماز شکوفا نمایید. ﴿منیبین الیه ...﴾
- ۲- تقوا و نماز، همسوی فطرت است. ﴿فطرت الله... واتقوه و اقيموا الصلاة﴾
- ۳- توبه و انابه، باید با کناره‌گیری از گناه و انجام واجبات همراه باشد. ﴿منیبین... و اتقوه و اقيموا الصلاة﴾

- ۴- در سایه‌ی توبه و تقوا و نماز، قدرت فاصله گرفتن از شرک و تفرقه را پیدا می‌کنید. ﴿مُنِيبِينَ إِلَيْهِ... وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾
- ۵- اگر عبادت فردی، با کناره‌گیری از تفرقه‌های مذهبی همراه نباشد، کارساز نیست. ﴿لَا تَكُونُوا... مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا﴾
- ۶- اقامه‌ی نماز، تجلی روح تقوا در انسان است. ﴿وَاتَّقُوا وَ اَقِمُوا الصَّلَاةَ﴾
- ۷- شرک، تنها پرستیدن خورشید و ماه و بت نیست؛ هر کس که عامل تفرقه در دین خدا شود، مشرک است. ﴿مِنَ الْمُشْرِكِينَ مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ﴾
- ۸- مشرکان در صدد تفرقه‌ی دینی مردم هستند. ﴿الْمُشْرِكِينَ... الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ﴾
- ۹- جنجال‌ها و تفرقه‌های دینی، مانع شکوفایی فطرت و روح توبه و تقوا و نماز است. ﴿فَرَّقُوا دِينَهُمْ﴾
- ۱۰- گاهی گروه‌گرایی و دلخوشی به آنچه که داریم، ما را از حق‌گرایی دور می‌کند. ﴿كُلَّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾

﴿۳۳﴾ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا آذَاهُمْ مِنْهُ

رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

و هرگاه زیانی به مردم رسد، توبه‌کنان پروردگار خود را می‌خوانند و به سوی او باز می‌گردند؛ اما چون خداوند از طرف خود رحمتی به آنان بچشاند، گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می‌ورزند.

پیام‌ها:

- ۱- ضررها از خود ماست، ولی رحمت‌ها از خداوند است. ﴿مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ - مِنْهُ رَحْمَةً﴾
- ۲- گروهی از مردم تنها در حال سختی و مصیبت خدا را می‌خوانند، در حالی که مؤمن باید در همه حال خدا را بخواند. ﴿ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ﴾
- ۳- نشانه‌ی فطری بودن گرایش به خدا آن است که هرگاه سختی‌ها و فشارها،

- غبار غفلت را بر طرف کند، انسان به سوی او توجّه می‌کند. ﴿فطرت الله... اذا مسّ الناس ضرّاً دعوا ربّهم﴾
- ۴- انسان، کم ظرفیت و ضعیف است، با اندکی زیان ناله می‌کند و با چشیدن رحمت غافل می‌شود. ﴿ضرّاً دعوا - رحمة... یشرکون﴾
- ۵- رفاه، زمینه‌ی غفلت است. ﴿اذاقهم منه رحمة... یشرکون﴾
- ۶- گروهی از انسان‌ها ناسپاس‌اند. (همین که رحمتی می‌چشند، به جای شکر، شرک می‌ورزند.) ﴿اذاقهم منه رحمة... یشرکون﴾
- ۷- دعای مضطرب مستجاب می‌شود. ﴿ضرّاً دعوا... اذاقهم منه رحمة﴾
- ۸- زندگی بشر، آمیزه‌ای از تلخی‌ها و شیرینی‌هاست. ﴿ضرّاً... رحمة﴾

﴿۳۴﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

تا سرانجام دربارهی آنچه به ایشان بخشیده‌ایم کفران پیشه کنند، پس کام بگیرد که به زودی خواهید دانست (نتیجهی کفر و کفران چیست).

﴿۳۵﴾ اَمْ اَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطٰنًا فَهٗو يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ

آیا ما بر ایشان حجّت و دلیل محکمی نازل کرده‌ایم؟ دلیلی که دربارهی شرک آنان سخنی بگوید (آن را موجه بدانند)!

پیام‌ها:

- ۱- شرک، گامی به سوی کفر و ناسپاسی است. ﴿یشرکون لیکفروا﴾ بازگشت به سوی شرک، نوعی کفران نعمت است.
- ۲- یکی از برنامه‌ها و سنت‌های الهی، مهلت دادن به منحرفان است. ﴿فتمتّعوا﴾
- ۳- در ارشاد و تربیت، گاهی تهدید و توبیخ لازم است. ﴿فتمتّعوا فسوف تعلمون﴾ چندین چراغ دارد و بیراهه می‌رود بگذار تا بیفتد و بیند سزای خویش

- ۴- در کنار تندترین تهدیدها، از منطق غافل نشویم. ﴿فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾ ام انزلنا علیهم سلطانا ﴿
- ۵- عقیده‌ای درباره‌ی خداوند، حقّ و پذیرفتنی است که مورد تأیید خداوند باشد. ﴿أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا﴾
- ۶- نه شرک دلیلی دارد و نه مشرک منطقی. ﴿أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا﴾
- ۷- دلیل و استدلال باید گویا و روشن باشد. ﴿سُلْطَانًا فَهوَ يَتَكَلَّمُ﴾
- ۸- توجّه به غیر خدا ممکن است برای هر کسی پیش بیاید، ولی استمرار آن خطرناک است. ﴿كَانُوا بِهِ يَشْرِكُونَ﴾

﴿۳۶﴾ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

و هرگاه به مردم رحمتی چشانیم، به آن شاد شوند و اگر به خاطر دستاورد گذشته (و اعمال بد) آنها، ناگواری (و مصیبتی) به آنان رسد، ناگهان مأیوس می‌شوند.

پیام‌ها:

- ۱- انسان، شخصیتی تأثیرپذیر و انفعالی دارد. ﴿فرحوا... یقنطون﴾
- ۲- رحمت از خداست و ناگواری‌ها از عملکرد خود ما. ﴿اذقنا الناس رحمة - سیئة بما قدّمت ایدیهم﴾
- ۳- انسان دور از خدا، پوک و کم ظرفیت است؛ با اندکی نعمت، مست می‌شود و با کمی تلخی و غم، به بن بست می‌رسد.^(۱) ﴿رحمة فرحوا - سیئة ... یقنطون﴾ در صورتی که خداوند از مردم تحمل و ظرفیتی را می‌خواهد که از دست رفتن نعمت‌ها آنان را نگران و به دست آوردن نعمت‌ها آنان را سرعت نکند.

۱. تنوین در کلمات «رحمة و سیئة»، بر قلت و کمی دلالت می‌کند.

﴿لَكَيْلًا تَأْسُوا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾^(۱)

۴- برخورداری از رحمت، قطعی است، ولی مبتلا شدن به ناگواری قطعی نیست. ﴿اذا... إن...﴾ (برای برخورداری از رحمت، کلمه‌ی «اذا» بکاررفته که به معنای انجام قطعی است، ولی برای گرفتار شدن، کلمه‌ی «إن» بکار رفته که به معنای غیر قطعی بودن است).

﴿۳۷﴾ **أَوْلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ**

آیا ندیدند که خداوند برای هر کس بخواهد (طبق حکمت)، روزی را گسترش می‌دهد و (یا) تنگ می‌سازد؟ البتّه در این (توسعه و ضیق) برای کسانی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی قطعی است.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «يقدر» از «قدر»، هم به معنای اندازه‌گیری است و هم به معنای سخت‌گیری؛ اما در اینجا چون در کنار «بيسط» آمده، مراد تنگی و سختی است.

پیام‌ها:

- ۱- توجه به این‌که رزق به دست خداست، انسان را از یأس و ناامیدی باز می‌دارد. ﴿يَقْنَطُونَ أَوْلَمْ يَرَوْا﴾
- ۲- انسان باید برای کسب معاش تلاش کند، ولی بداند که تقدیر معیشت به دست خداست. ﴿اللَّهُ بِيَسْطٍ - يَقْدِرُ﴾
- ۳- در همه‌ی قرآن توسعه‌ی روزی، قبل از تنگی آن مطرح شده است و این نشانه‌ی رحمت گسترده‌ی اوست. ﴿بِيَسْطٍ - يَقْدِرُ﴾
- ۴- توسعه‌ی روزی را به خاطر زرنگی خود ندانیم. ﴿إِنَّ اللَّهَ بِيَسْطٍ الرِّزْقَ﴾

۵- اگر توسعه و تنگی روزی به دست اوست، این همه حرص چرا؟ ﴿إِنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ... وَ يَقْدِرُ﴾

۶- تنها اهل ایمان از دقت در روزی رسانی خداوند، درس و عبرت می‌گیرند. (ولی افراد غافل همه چیز را سطحی می‌پندارند.) ﴿لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

﴿۳۸﴾ قَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَاكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

(اکنون که دانستی توسعه‌ی رزق به دست خداست،) پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را ادا کن. این (انفاق) برای کسانی که خواهان خشنودی خدا هستند بهتر است، و آنان همان رستگارانند.

نکته‌ها:

□ در روایات آمده است: همین که این آیه نازل شد، پیامبر اکرم ﷺ فدک را به حضرت زهرا علیها السلام بخشیدند. (۱)

□ گرچه خطاب آیه به پیامبر اکرم ﷺ است، ولی تمام مردم مخاطب آن می‌باشند.

□ مراد از «وجه الله»، نیت خالصانه در انفاق است، همان گونه که در مورد انفاق اهل بیت علیهم السلام می‌خوانیم: ﴿أَمَّا نَطْعَمَكُم لوجه الله﴾ (۲)

پیام‌ها:

۱- مالک اموال خداوند است، موارد مصرف مال را هم باید خداوند مشخص کند. ﴿قَاتِ﴾

۲- در انفاق و کمک، خویشان بر دیگران مقدمند. ﴿ذَا الْقُرْبَىٰ... وَالْمِسْكِينَ...﴾

۳- بستگان بر انسان و دارایی انسان حق و حقوقی دارند. ﴿حَقَّهُ﴾ آری، خویشاوندی، زمینه‌ی پیدایش حقوق است.

۱. تفاسیر مجمع البیان و نورالتقلین.

۲. انسان، ۹.

۴- فرمان دینی با عواطف طبیعی هماهنگ است. دستور رسیدگی به بستگان فقیر همان خواسته عاطفی انسان است. ﴿فَاتِذَا الْقَرَبِيُّ حَقَّهُ...﴾

۵- محرومان در مال اغنیا حق دارند و در پرداخت حَقشان نباید بر آنان مَنّت گزارد. ﴿حَقَّهُ﴾

۶- اسلام، حامی مستضعفان و حاکم اسلامی مسئول فقرزدایی از جامعه‌ی مسلمانان است. (بنابر این که پیامبر به عنوان حاکم اسلامی مخاطب واقع شده باشد. ﴿فَاتِ... وَالْمَسْكِينِ...﴾)

۷- حتی ثروتمندانی که موقتاً گرفتار بی پولی می شوند، باید حمایت شوند. ﴿وَابْنِ السَّبِيلِ﴾

۸- ادای حقوق دیگران ارزش است، نه جمع دارایی و ثروت. ﴿ذَلِكَ خَيْرٌ﴾

۹- ثروت می تواند وسیله‌ای برای تقرّب به خداوند قرار گیرد. ﴿فَاتِذَا الْقَرَبِيُّ حَقَّهُ... يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ﴾

۱۰- امتیاز انفاق اسلامی بر انفاق دیگران، قصد قربت است. ﴿يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ﴾

۱۱- امر به نیکی، باید با تشویق همراه باشد. ﴿ذَلِكَ خَيْرٌ... هُمُ الْمَفْلُحُونَ﴾

۱۲- رستگاری در گرو عمل خالصانه است. ﴿يَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَ أَوْلَئِكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ﴾

﴿۳۹﴾ وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رَّبًّا لَّيِّزُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَزُبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ

مَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ

و آنچه شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (رباخوار) افزوده شود، پس نزد

خداوند فزونی نخواهد یافت، و آنچه را به عنوان زکات می پردازید و رضای خدا را

می طلبید پس آنان (که چنین کنند پاداشی) چند برابر دارند.

پیام‌ها:

۱- مقدار و کمیت پول مهم نیست، انگیزه و هدف پرداخت مهم است. ﴿مِن رَّبًّا...

مِن زَكَاةٍ﴾

- ۲- رشدی که از ربا حاصل می‌شود، کاذب و ظاهری است، نه واقعی و نزد خداوند. ﴿فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ﴾
- ۳- امتیاز اسلام در آن است که علاوه بر فقرزدایی از محرومان، رشد معنوی پرداخت کنندگان را نیز در نظر دارد. ﴿تَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ﴾
- ۴- توجه به اخلاص، مسأله‌ای جدی است و باید با تأکید بیان شود، زیرا کار و تلاش بدون انگیزه‌ی الهی، ارزشی ندارد. ﴿تَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ﴾ («وجه الله»، در این آیه و آیه قبل تکرار شده است.)
- ۵- پرداخت خالصانه‌ی زکات، موجب ازدیاد و رشد است. ﴿زَكَاةً تَرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾
- ۶- مؤمن باید در تشخیص سود و زیان، دنیا و آخرت، فرد و جامعه و جسم و روح را با هم به حساب آورد. (گرچه در دید مادی، پرداخت زکات، مایه‌ی کمبود مال است، ولی با توجه به فقرزدایی از جامعه، دل‌کندن از دنیا و ذخیره شدن برای آخرت، به سود زکات دهنده است.) ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾
- ۷- اخلاص، مقام انسان را بالا می‌برد و به نقطه‌ی برتر می‌رساند. (با توجه به خطاب «تریدون وجه الله» باید بگوید: «أنتم المضعون» ولی می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ﴾، گویا آنان به یک نقطه‌ی اوج رسیده‌اند.)

﴿۴۰﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَٰلِكُمْ مِثْلَ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ

خداوند کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی داد، آنگاه شما را می‌میراند، سپس زنده می‌کند؛ آیا از شریک‌هایی که شما برای خدا گرفته‌اید کسی هست که ذره‌ای از این کارها را انجام دهد؟ او منزّه و برتر است از آنچه شریکش قرار می‌دهند.

نکته‌ها:

□ در این آیه به چهار صفت الهی اشاره شده که هر یک به تنهایی برای تسلیم و تعبد انسان کافی است، آفرینش انسان، دلیل مستقلاً بر لزوم بندگی انسان است. ﴿اعبدوا ربکم الذی خلقکم﴾^(۱) روزی دادن خداوند به ما، دلیل بر لزوم بندگی ماست. ﴿فلیعبدوا ربّ هذا البیت الذی اطعمهم من جوع﴾^(۲) میراندن و زنده کردن نیز هر یک به تنهایی، دلیل لزوم تعبد و تسلیم انسان در برابر پروردگار متعال است. ﴿اللّٰه الذی خلقکم ثمّ رزقکم ثمّ یمیتکم ثمّ یمحیکم﴾

پیام‌ها:

- ۱- مرگ و زندگی، گذشته، حال و آینده و رزق و روزی ما به دست خداست. ﴿خلقکم، رزقکم، یمیتکم، یحییکم﴾
- ۲- کارهای گذشته، دلیل بر قدرت خداوند بر کارهای آینده است. (آفریدن، روزی دادن و میراندن، نشانه‌ی قدرت خدا بر زنده کردن انسان پس از مرگ است). ﴿خلقکم - رزقکم - یمیتکم - یحییکم﴾
- ۳- روش مقایسه در تعلیم و تبلیغ، از بهترین روش‌هاست. ﴿اللّٰه خلقکم ثمّ رزقکم ... هل من شرکائکم﴾
- ۴- با سؤال، وجدان‌ها را بیدار کنید. ﴿هل من شرکائکم من یفعل ...﴾
- ۵- قدرت‌های غیر الهی استقلالی از خود ندارند، نه تنها از انجام کارهای بزرگ بلکه از آفریدن کوچک‌ترین موجود نیز عاجزند. ﴿من شئ﴾
- ۶- هیچ یک از وسایل، اسباب، مقدمات و شرایط آفرینش را شریک خدا نپنداریم. ﴿سبحانه و تعالی عما یشرکون﴾
- ۷- شرک، توهین به مقام پروردگار است و انسان باید او را منزّه و برتر از هرگونه شریک بداند. ﴿سبحانه و تعالی﴾

۲. قریش، ۳ - ۴.

۱. بقره، ۲۱.

۸- شرک، با هر نام و آرم و شکلی که باشد باطل و محکوم است. ﴿عَمَّا يَشْرُكُونَ﴾

﴿ ۴۱ ﴾ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ
بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

به خاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا (خداوند) کیفر بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (به سوی حق) بازگردند.

نکته‌ها:

□ امام صادق علیه السلام فرمود: «حیات جنبندگان در خشکی و دریا وابسته به باران است که اگر باران نبارد، در خشکی و دریا فساد می‌شود و همین که گناهان انسان زیاد شد، باران نازل نمی‌شود.»^(۱)

□ در آیه ی ۳۰ سوره ی شوری می‌خوانیم: ﴿مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ﴾ هر مصیبتی به شما رسد به خاطر عملکرد شماست، ولی بدانید که خداوند به خاطر رحمت و لطفش از بسیاری گناهاتتان می‌گذرد. (اگر بخواهد کیفر همه ی کارهای شما را بدهد، احدی روی زمین باقی نمی‌ماند.) برخی سختی‌ها و تلخی‌های دنیوی، گوشه‌ای از کیفر گناهان انسان است.

پیام‌ها:

- ۱- شرک، سبب فساد و تباهی در زمین است. ﴿عَمَّا يَشْرُكُونَ - ظَهَرَ الْفَسَادُ﴾
- ۲- اعمال انسان، در طبیعت اثر می‌گذارد. اعمال ناروای انسان، مانع از سودبخشی آب و خاک و عامل بروز پدیده‌های ناگوار است. ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ﴾
- ۳- فساد محیط زیست، به خاطر عملکرد انسان است. ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ... بِمَا كَسَبَتْ...﴾

۱. تفسیر راهنما.

- ۴- همه‌ی کیفرها به قیامت واگذار نمی‌شود، بلکه بعضی کیفرها در همین دنیا تحقق می‌یابد. ﴿لِيَذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي﴾
- ۵- آنجا که هدف هشدار و اصلاح است، گاهی اندکی تنبیه کافی است. ﴿لِيَذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾
- ۶- هدف از چشاندن کیفر بعضی گناهان، توبه و بازگشت است. ﴿لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾ (باید از بلاها درس گرفت.)

﴿۴۲﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ
كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ

بگو: در زمین سیر کنید پس بنگرید عاقبت کسانی که قبل از شما (زندگی می‌کردند و) بیشترشان مشرک بودند چگونه بود.

پیام‌ها:

- ۱- جهانگردی هدفدار، مورد سفارش اسلام است. ﴿قل سیروا...﴾
- ۲- حفظ آثار عبرت‌انگیز برای آیندگان، لازم است. ﴿سیروا - فانظروا﴾
- ۳- تاریخ از منابع شناخت است. مطالعه‌ی تاریخ و بهره‌گیری از حوادث گذشته، چراغ راه آینده است. ﴿فانظروا﴾
- ۴- سنت‌ها و قوانین حاکم بر تاریخ، ثابت است. (با مطالعه‌ی علل حوادث دیروز، می‌توان راه امروز را شناسایی کرد). ﴿فانظروا﴾
- ۵- یک جامعه با اکثریت منحرف، به قهر الهی مبتلا خواهد شد، گرچه تعدادی خوبان هم در آن باشند. ﴿أكثرهم مشرکین﴾ (هرگاه در منطقه‌ای اکثریت مردم فاسد شدند، جهاد و یا هجرت از آن جا لازم است.)

﴿۴۳﴾ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَدِيمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّمْ يَمُرَّ بِهِ مِنَ اللَّهِ
يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ

(حال که دانستی فرجام شرک هلاکت است،) پس به دین استوار ایمان بیاور،
پیش از آن که روزی بیاید که برای آن برگشتی از (قهر) خدا ممکن نیست،
در آن روز مردم از هم جدا (و دسته دسته) می‌شوند.

نکته‌ها:

□ «يَصَّدَّعُونَ» از «صدع»، به معنای شکستن و پراکندن است. در این جا مراد روزی است که
مردم مؤمن از افراد منحرف جدا می‌شوند و هر یک به سوی می‌روند.

پیام‌ها:

- ۱- هم دین باید محکم، استوار و منطقی باشد و هم دیندار، جدی و عاشق.
﴿فَأَقِمْ... لِلدِّينِ الْقَدِيمِ﴾
- ۲- توجه به دین باید در متن کارها و با تمام وجود باشد، نه در حاشیه و با کراهت.
﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ﴾
- ۳- دین اسلام، بر پا دارنده‌ی همه‌ی مصالح فردی و اجتماعی است. ﴿لِلدِّينِ الْقَدِيمِ﴾
- ۴- از فرصت‌ها استفاده کنیم. ﴿فَأَقِمْ... قَبْلَ أَن يَأْتِيَ﴾
- ۵- اگر به خطرات قیامت توجه کنیم، دینداری ما جدی می‌شود. ﴿فَأَقِمْ... قَبْلَ أَن
يَأْتِيَ يَوْمٌ...﴾
- ۶- رویکرد تمام عیار به دین، سبب نجات در قیامت می‌شود. ﴿فَأَقِمْ وَجْهَكَ... قَبْلَ
أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ...﴾

﴿۴۴﴾ مَن كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَن عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ

هر کس کفر ورزد، کفرش به زیان اوست و کسانی که کار شایسته انجام
دهند (سعادت ابدی را) برای خودشان آماده می‌کنند.

﴿ ٤٥ ﴾ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ

الْكَافِرِينَ

تا (خداوند) کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از فضل خویش پاداش دهد؛ (و کافران را محروم کند، زیرا) او کافران را دوست نمی‌دارد.

نکته‌ها:

- در آیه‌ی قبل فرمود: در قیامت، مردم پراکنده و در گروه‌های مختلف از هم جدا می‌شوند، این آیه، جدایی مذکور را توضیح می‌دهد که هر یک از اهل ایمان و کفر به پاداش و کیفر خود می‌رسند.
- «میهدون» از «مهد»، به معنای محلی است که برای استراحت آماده شده و در اینجا به معنای زمینه‌سازی و آماده‌سازی است.

پیام‌ها:

- ۱- انسان، دارای اختیار است و ایمان و کفر را خود انتخاب می‌کند. ﴿مَنْ كَفَرَ - مَنْ عَمِلَ﴾
- ۲- تشویق و تنبیه هر دو لازم است. ﴿فَعَلِيهِ كُفْرَهُ - فَلَانَفْسِهِمْ﴾
- ۳- کفر و ایمان مردم، در خداوند اثری ندارد. ﴿فَعَلِيهِ كُفْرَهُ - فَلَانَفْسِهِمْ يَمْهَدُونَ﴾
گر جمله‌ی کاینات کافر گردند بر دامن کبریاش ننشینند گرد
- ۴- ایمان و عمل صالح، شما را مغرور نکند، زیرا که دریافت هر نعمتی از فضل خداست. ﴿لِيَجْزِيَ ... مِنْ فَضْلِهِ﴾
- ۵- کفر به تنهایی سبب بدبختی است، گرچه کار خلافی نکند، ولی ایمان به تنهایی کافی نیست، بلکه نیازمند عمل صالح است. ﴿مَنْ كَفَرَ - آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾
- ۶- در قیامت، فضل الهی شامل حال کسانی است که اهل ایمان و عمل صالح باشند، نه دیگران. ﴿لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ﴾

۷- برای رفتن به بهشت، ایمان تنها کافی نیست، بلکه اعمال صالح نیز لازم است.
﴿آمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

﴿۴۶﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ
وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و از نشانه‌های الهی این است که بادهای را می‌فرستد، تا مزده (باران) دهند
و بخشی از رحمتش را به شما بچشانند و کشتی‌ها را به فرمانش حرکت
کنند، و شما از فضل او (روزی) بجوید، شاید شکرگزاری کنید.

نکته‌ها:

□ کلمه‌ی «ریح» در مورد بادهای تند و مضرّ و کلمه‌ی «ریاح» درباره‌ی بادهای مفید به کار
می‌رود. از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده که گاهی هنگام وزیدن باد می‌فرمود: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا
رِيَّاحًا وَلَا تَجْعَلْهُ رِيحًا» پروردگارا! این باد را سودمند قرار ده و آن را زیانبار مکن.^(۱)

□ برخی از فواید وزش باد عبارت است از: انتقال ابرها و فشردن آنها در یکدیگر، تعدیل گرما
و سرما، تصفیه‌ی هوا و جا به جا کردن هوای سالم، رساندن اکسیژن به انسان‌ها و کربن به
گیاهان، تلقیح و بارور کردن گیاهان، حرکت کشتی‌ها، تولید برق، پراکنده ساختن بذرها به
اطراف و ...

پیام‌ها:

- ۱- هیچ چیز تصادفی روی نمی‌دهد، حتی وزش بادهای نیز با اراده‌ی خداوند
حکیم است. ﴿يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ﴾
- ۲- آنچه از برکات باد دریافت می‌کنیم، بخشی از آیات و رحمت‌های اوست.
﴿مِنْ آيَاتِهِ... مِنْ رَحْمَتِهِ﴾
- ۳- حرکت کشتی در دریا به دست خداست، نه ناخدا! ﴿لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ﴾ این

۱. تفاسیر کشاف و المنیر.

خداوند است که با وضع قوانین طبیعت، زمینه حرکت کشتی روی آب را فراهم ساخته است.

۴- تلاش برای روزی حلال، سفارش قرآن است. ﴿لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ﴾

۵- باد نیز نعمتی است که شکر می طلبد، گرچه ما توجه نداریم. ﴿لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

﴿۴۷﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ

و البته ما پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم، پس آنان دلایل روشن برای مردم آوردند، (برخی ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند) پس، از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم، و (مؤمنان را یاری کردیم که) یاری مؤمنان حقی است بر عهده‌ی ما.

نکته‌ها:

□ در این آیه چهار برنامه و سنت الهی مطرح شده است:

الف: سنت فرستادن پیامبر.

ب: سنت معجزه داشتن انبیا.

ج: کیفر مجرمان.

د: نصرت مؤمنان

□ مسأله‌ی نصرت مؤمنان، در قرآن مکرر مطرح شده است از جمله:

الف: اگر شما خدا را یاری کنید، او نیز شما را یاری می‌کند. ﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾^(۱)

ب: کسانی که در راه ما تلاش و مجاهده کنند، ما راه‌های خود را به آنان نشان خواهیم داد.

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^(۲)

ج: ما قطعاً پیامبران و مؤمنان را یاری خواهیم کرد. ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا﴾^(۳)

۱. محمد، ۷.

۲. عنکبوت، ۶۹.

۳. غافر، ۵۱.

د: عاقبت و سرانجام نیک، از آن متقین و پرهیزکاران است. ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ﴾^(۱)
 □ پیامبر اسلام ﷺ خاتم انبیاست و بعد از او پیامبری نیست، لذا کلمه‌ی «من قبلك» مکرر در قرآن آمده، ولی کلمه‌ی «من بعدك» نیامده است.

پیام‌ها:

- ۱- آشنایی با تاریخ، عامل تسلی است. ﴿من قبلك رسلا - فانتقمنا - نصرالمؤمنین﴾
- ۲- ابتدا کار فرهنگی و ارشاد، سپس برخورد با مجرمان. ﴿فجاءوهم بالبیّنات فانتقمنا﴾
- ۳- مخالفان انبیا، مجرمانی محکوم و مغلوب هستند. ﴿فانتقمنا - اجرموا﴾
- ۴- انتقام از مجرم، یکی از مصادیق نصرت مؤمنان است. ﴿فانتقمنا من الذین اجرموا - نصرالمؤمنین﴾
- ۵ - پیروزی مؤمنان، وعده‌ی قطعی خداوند است. (گرچه در ظاهر شهید شوند ولی به هدفشان می‌رسند). ﴿كان حقاً علينا﴾
- ۶- گرچه انسان از خدا طلبی ندارد، ولی خداوند یاری مؤمنان را بر خود لازم کرده است. ﴿حقاً علينا﴾

﴿ ۴۸ ﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ
 كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنَرَى الْوُدُقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا
 أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

خداوند کسی است که بادهای را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان، هر گونه بخواهد می‌گستراند و آن را بخش بخش می‌کند، پس می‌بینی که باران از لابلای آن (ابر) بیرون می‌آید. پس هرگاه آن (باران) را به هر کس از بندگانش که بخواهد برساند، به ناگاه آنان شادمان گردند.

نکته‌ها:

- کلمه‌ی «کِسْف» جمع «کِسْفَه» به معنای قطعه و مراد از آن پاره‌های ابر است.
- «وَدُق» هم به ذرات کوچک گفته می‌شود و مراد از آن در اینجا قطرات باران است.

پیام‌ها:

- ۱- تحولات طبیعی، نشانه‌ی قدرت، حکمت و تدبیر خداست. ﴿اللّٰهُ الَّذِي يَرْسِلُ...﴾
- ۲- اراده‌ی الهی از طریق اسباب طبیعی محقق می‌شود. ﴿يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَثِيرُ سَحَابًا﴾
- ۳- برای تشکیل ابرها، بادهای متعددی از جناح‌های سرد و گرم نقش دارند. («الرياح»، به صورت جمع آمده است.)
- ۴- از فوائد باد، زمینه‌سازی برای نزول باران است. ﴿يُرْسِلُ الرِّيحَ... فَتَرَى الْوَدُقَ﴾
- ۵- حرکت ابرها و بارش باران‌ها، با اراده و خواست خداست. ﴿كَيْفَ يَشَاءُ﴾

﴿ ٤٩ ﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ لَمُبْسِينَ

و هر چند پیش از آن که (باران) بر آنان نازل شود، (آری)، پیش از آن نومید بودند.

﴿ ٥٠ ﴾ فَأَنْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ

ذَلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند.

همانا خداست زنده کننده‌ی مردگان و او بر هر چیزی قدرت دارد.

پیام‌ها:

- ۱- سختی‌ها و نومیدی‌ها، لذت نعمت‌ها را چند برابر می‌کند. ﴿یَسْتَبْشِرُونَ - و ان كانوا... لمبسين﴾
- آب کم جو تشنگی آور به دست تا که جوشد آبت از بالا و پست

۲- باران، رحمت الهی است. ﴿فانظر الى آثار رحمت الله﴾
 ۳- بارش باران و حیات مجدد زمین، نشانه‌ای از برپایی قیامت است. ﴿یحی الارض
 - لمحی الموقی﴾ صحنه‌ی مرگ و حیات، هر لحظه جلو چشم ماست، ﴿انّ ذلك لمحی
 الموقی﴾ و مشیت نمونه‌ی خروار است. ﴿انّ ذلك لمحی الموقی﴾

﴿۵۱﴾ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ

و اگر بادی (آفت‌زا) بفرستیم، و (مردم زمین سرسبز) را زرد شده ببینند،
 بعد از آن کفر خواهند ورزید.

﴿۵۲﴾ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الْأُصْمَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

(دل‌های اینان مرده است) پس تو نمی‌توانی مردگان را شنوا کنی، و
 این دعوت را به گوش کران آنگاه که پشت کنان روی می‌گردانند، برسانی.

پیام‌ها:

- ۱- بادهای مهلک و آفت‌زا، بی‌ضابطه و تصادفی نیست. ﴿ارسلنا ريحاً﴾
- ۲- بادهای مخرب، نسبت به بادهای مفید کم هستند. ﴿ارسلنا ريحاً﴾ (در حالی که
 درباره‌ی بادهای مفید فرمود: «یرسل الریاح»)
- ۳- گاهی انسان با یک حادثه‌ی تلخ، از مدار توحید خارج می‌شود و در مدار کفر و
 شرک قرار می‌گیرد. ﴿لظلّوا من بعده یكفرون﴾ (گاهی یک باد زیانبار، حال
 شادی، «یستبشرون» را به حال ناکامی، «یکفرون» تبدیل می‌کند.)
- ۴- در ارشاد و تبلیغ، کامل بودن مرشد و شیوه‌ی ارشاد و محتوای آن، کافی
 نیست؛ قابلیت طرف نیز لازم است. ﴿انک لا تسمع الموقی﴾
- ۵- ناشنوا، گاهی با نگاه به حرکت لب‌ها مطالبی را می‌فهمد، ولی مصیبت
 آنجاست که هم گوش ناشنوا باشد و هم انسان به گوینده پشت کند که در این
 حال اشاره را هم نمی‌فهمد. این، مثل کسانی است که به حق پشت کنند.

﴿ولا تسمع الصم الدعاء اذا ولوا مدبرين﴾

۶- اعراض از حق، وقتی خطرناک است که پشت کردن به حق، با عنایت و لجاجت باشد و شیوهی دائمی افراد قرار گیرد. ﴿مدبرین﴾

﴿۵۳﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمِّيِّ عَنِ ضَالَّتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ

بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

و تو هدایت کننده‌ی کوران از گمراهیشان نیستی، تنها کسانی سخت را به گوش می‌گیرند که به آیات ما ایمان دارند و اهل تسلیم هستند.

پیام‌ها:

۱- وظیفه‌ی پیامبران، ارشاد مردم است، نه اجبار آنان به پذیرش هدایت. ﴿ما انت بهاد العمی﴾

۲- پذیرش مردم، محدود است. ﴿ان تُسمع الا من يؤمن﴾

۳- داشتن روحیه‌ی تسلیم در برابر حق، زمینه‌ساز دریافت‌های معنوی است. ﴿ان تُسمع الا... مسلمون﴾

زمین شوره سنبل بر نیارد در آن تخم عمل ضایع مگردان

۴- ایمان به تنهایی کافی نیست، تسلیم لازم است. ﴿من يؤمن بآياتنا فهم مسلمون﴾

﴿۵۴﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ

جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ

الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی، قوتی بخشید،

آنگاه بعد از توانایی و قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد

می‌آفریند، و اوست دانای توانا.

پیام‌ها:

- ۱- انسان در آغاز خلقت، سراسر ضعف است. ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ﴾
- ۲- توجّه کردن به آغاز تولّد، مایه‌ی تذکّر و تشکر است. ﴿خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ...﴾
- ۳- از ضعف و پیری گلایه نکنید که برنامه‌ی حکیمانه‌ی خداوند است. ﴿اللَّهُ... جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا﴾
- ۴- مراحل ضعف و قدرت انسان، با یک برنامه ریزی حکیمانه طراحی شده است. (تکرار «جعل»)
- ۵- آغاز و پایان انسان ضعف است، در چند روزی که توان و قدرت داریم قدردانی کنیم. (یک قوّت میان دو ضعف) ﴿ضَعْفٍ - قُوَّةٍ - ضَعْفًا﴾ ضعف دوران کودکی به قوّت تغییر می‌کند، ولی ضعف دوم باقی می‌ماند، زیرا کلمه‌ی «شبیبة» در کنار «ضعف»، نشان آن است که این ضعف همراه پیری و ثابت است)
- ۶- کسی که میان دو ضعف قرار گرفته، نباید به چند روز قوّت مغرور شود. ﴿ضَعْفٍ - قُوَّةٍ - ضَعْفًا﴾
- ۷- اگر اهل نظر باشیم، همه‌ی هستی کتاب مطالعه است. (باد و باران و حیات زمین، دوران کودکی و جوانی و پیری انسان). ﴿مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَبِيَّةٍ﴾
- ۸- ضعف مخلوق، نشان ضعف خالق نیست. ﴿وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾

﴿۵۵﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِئُوا غَيْرَ سَاعَةٍ

كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

و روزی که قیامت بر پا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی درنگ نکرده‌اند، (آنان در دنیا نیز) این گونه (از حقّ) گردانده می‌شدند.

نکته‌ها:

□ «ساعة»، به جزئی از زمان گفته می‌شود، اگر به روز قیامت «ساعة» گفته می‌شود یا به

خاطر سرعت در بر پایی قیامت است و یا سرعت در رسیدگی به اعمال.^(۱)

پیام‌ها:

- ۱- کسی که در دنیا به سوگند دروغ عادت کرد، در قیامت نیز آن را به کار می‌برد.
﴿یقسم المجرمون﴾
- ۲- مجرمان در قیامت عذر و بهانه می‌آورند که در دنیا فرصت برای ایمان آوردن نداشتند، ﴿ما لبثوا غیر ساعة﴾
- ۳- کج فکری و کج روی مجرمان، دائمی است. ﴿کانوا یؤفکون﴾
- ۴- دروغ، سبب انواع کجی‌ها و انحرافات است. ﴿کذک کانوا یؤفکون﴾ یعنی با این‌گونه دروغ‌ها پیوسته به انحراف کشیده شدند.

﴿ ۵۶ ﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِئْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و کسانی که علم و ایمان به آنان داده شده، (به مجرمان) می‌گویند: قطعاً شما (به موجب آنچه) در کتاب خداست تا روز رستاخیز (در برزخ) مانده‌اید، پس این، روز رستاخیز است، ولی شما نمی‌دانستید (که قیامت حق است).

نکته‌ها:

- این آیه پاسخ اهل ایمان، در برابر گفتار مجرمان در آیه‌ی قبل را مطرح می‌کند. آنها از دوران کوتاه عمر خود در دنیا و یا مدّت اندک برزخ می‌گویند؛ اما اهل ایمان پاسخ می‌دهند که شما مطابق آنچه خداوند برای دوره‌ی دنیا و برزخ افراد معین کرده، زندگی کرده‌اید و بی‌جهت برای کفر خود، عذرتراشی نکنید.
- ظاهراً علت تقدّم علم بر ایمان به خاطر آن باشد که علم پایه و اساس ایمان است.

۱. تفسیر نمونه.

پیام‌ها:

- ۱- در قیامت، میان مجرمان و مؤمنان گفتگوهاست. ﴿وَقَالَ الَّذِينَ ...﴾
- ۲- علم و ایمان، حتی در قیامت آثار مثبت خود را نشان می‌دهد. ﴿أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ﴾ (عالمان مؤمن، در قیامت نیز شبهه زدایی می‌کنند).
- ۳- علم و ایمان، دو هدیه الهی است که به افراد عطا می‌شود. ﴿أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ﴾
- ۴- علم و ایمان خود را توفیقی الهی بدانیم و مغرور نشویم. ﴿أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ﴾
- ۵- مدت دوره‌ی دنیا یا برزخ، از پیش محاسبه و نوشته شده است. ﴿فِي كِتَابِ اللَّهِ﴾

﴿۵۷﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

پس در چنین روزی، پوزش کسانی که ستم کردند سودی ندارد، و توبه‌ی آنان نیز پذیرفته نمی‌شود.

نکته‌ها:

- «يُسْتَعْتَبُونَ» از واژه‌ی «عُتِبَ» به معنای ناراحتی است و هرگاه در قالب استعتاب قرار گیرد، به معنای توبه و از بین رفتن ناراحتی و بدی است.
- گرچه در قیامت به مجرمان اجازه‌ی معذرت خواهی داده نمی‌شود، ﴿وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ﴾^(۱) اما اگر بر فرض هم معذرت خواهی کنند، پوزش آنان سودی ندارد. ﴿لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعذِرَتُهُمْ﴾

پیام‌ها:

- ۱- سرنوشت انسان و چگونگی حضور او در قیامت، در گرو عملکرد خود اوست. ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا...﴾
- ۲- ظلم، سبب محرومیت از عنایت خداوند است. ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا...﴾
- ۳- توبه و عذرخواهی تنها در دنیا کارساز است و در قیامت هیچ کارایی ندارد.

۱. مرسلات، ۳۶.

﴿فیومئذ لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم﴾

﴿ ۵۸ ﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ
بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ

و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم و اگر برای آنان نشانه و معجزه‌های بیاوری، کافران حتماً خواهند گفت: شما جز بر باطل نیستید. (و این‌ها سحر و جادوست).

پیام‌ها:

- ۱- همه‌ی مردم مخاطب قرآن هستند. ﴿و لقد ضربنا للناس﴾
- ۲- قرآن، کتاب ارشاد و هدایت است و مثال، از بهترین شیوه‌های فهماندن حقایق، لذا خداوند برای زمینه‌های مختلف مثال آورده است. ﴿ضربنا ... من کلّ مثل﴾
- ۳- مطالب قرآن، سبب اتمام حجّت است و کسی که حقّ را بفهمد و حجّت بر او روشن شود، دیگر عذرش پذیرفته نیست. ﴿فیومئذ لا ینفع الذین ظلموا معذرتهم... و لقد ضربنا للناس...﴾
- ۴- کافران لجوج، هیچ گونه دلیل و نشانه‌ای را نمی‌پذیرند. ﴿بِآیَةٍ﴾
- ۵- باید اهداف و سخنان کفّار و دشمنان را پیش بینی کرد. ﴿لیقولنّ﴾
- ۶- عناد و سرسختی کفّار، باید برای ما درس باشد و در راه حقّ، مقاوم‌تر باشیم. ﴿ان أنتم الاّ مبطلون﴾
- ۷- انسانی که در مدار کفر و لجاجت قرار گیرد، باطل را حقّ می‌بیند و حقّ را باطل. ﴿ان أنتم الاّ مبطلون﴾
- ۸- کافران، چون استدلال ندارند، حقّ را تحقیر می‌کنند. ﴿ان أنتم الاّ مبطلون﴾
- ۹- کافران، نه تنها حقّ را نمی‌پذیرند، بلکه نسبت باطل هم به آن می‌دهند. ﴿ان أنتم الاّ مبطلون﴾
- ۱۰- کافران نه تنها پیامبر اسلام، بلکه تمام انبیا یا تمام مومنان را بر باطل می‌دانند.

(با آنکه آورنده‌ی معجزه تنها شخص پیامبر اسلام است؛ اَمَّا كَفَّارًا بِكَارِ بَرْدِنِ جَمْعٍ «انتم» گویا تمام انبیا و یا مؤمنان را باطل می‌دانند.)

﴿۵۹﴾ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

این گونه، خداوند بر دل‌های کسانی که معرفت ندارند، مهر می‌زند.

نکته‌ها:

□ مراد از «لایعلمون»، افرادی هستند که نمی‌خواهند بدانند، همان‌گونه که در آیه‌ی قبل خواندیم: هرگاه پیامبر نشانه و معجزه‌ای می‌آورد، آنها با لجاجت، نسبت بطلان می‌دادند. آری، افرادی که خود را به جهل و نادانی می‌زنند، مورد قهر الهی قرار می‌گیرند، نه افراد ناآگاه و بی‌غرض.

پیام‌ها:

- ۱- کیفر لجاجت، از دست دادن هدایت است. «ان أنتم الا مبطلون كذلك يطبع...»
- ۲- مهر زدن بر دلِ ناهلان، یک سنّت الهی است. «كذلك يطبع»
- ۳- زمینه‌ی سنگدلی را خود انسان، در خود به وجود می‌آورد. «لایعلمون»

﴿۶۰﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

پس صبر پیشه کن که همانا وعده‌ی خداوند (درباره‌ی نصرت تو) حقّ است، و کسانی که (به راه حقّ) یقین ندارند تو را به سبک سری وادار نکنند.

نکته‌ها:

□ سوره‌ی روم با پیش‌بینی پیروزی شروع شد و با وعده الهی به نصرت گروه حقّ پایان یافت.

پیام‌ها:

- ۱- رهبران دینی باید صبور باشند. «فاصبر»
- ۲- ایمان به وعده‌های الهی، عامل صبوری است. «فاصبر انّ وعد الله حقّ»

- ۳- جو سازی افراد بی دین، نباید در تصمیم گیری ما اثر کند. ﴿لایستخفّٰنک...﴾
- ۴- اگر لطف و هشدار و تعلیم الهی نباشد، انبیا نیز آسیب پذیرند. ﴿لایستخفّٰنک﴾
- ۵- یکی از طرفندهای دشمنان، سبک کردن رهبر است. ﴿لایستخفّٰنک﴾
- ۶- کسانی به فکر تضعیف و تحقیر رهبر هستند که به راه حقّ یقین ندارند. ﴿الذین لایوقنون﴾
- ۷- کسی که صبر نکند، خفیف می شود. ﴿فاصبر... لایستخفّٰنک﴾

«والحمد لله رب العالمین»